



علوم محیطی ۳، بهار ۱۳۸۳  
ENVIRONMENTAL SCIENCES 3, Spring 2004  
۶۰-۶۳

## آشنایی با روانشناسی محیط

شهرناز مرتضوی

دکترای روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

### An Introduction to Environmental Psychology

Shahrenaz Mortazavi, Ph.D.  
Professor, Faculty of Education and Psychology,  
Shahid Beheshti University

#### Abstract

One of the branches of Psychology is "Environmental Psychology", which places an emphasis on the interrelation between behaviour and the physio-architectural conditions of the environment. The terms "Ecological Psychology" or "Eco-behavioural" sciences are applied to describe similar disciplines. In this approach the relationships between "individual behaviour", as the subject of psychology", and the environmental conditions", as a general system, including the physio-architectural conditions of the environment. The study of the interrelations between environmental conditions or the physical environment, and behaviour should not encourage us to ignore other factors, such as cultural values and socio-economic as well as psychological variables.

*Keywords:* Environmental Psychology, Ecological Psychology, Eco-behavioural sciences.

#### چکیده

در روانشناسی "محیط" که یکی از رشته‌های تخصصی نسبتاً نوپای رشته روانشناسی است، روی تأثیر متقابل "رفتار" و "شرایط فیزیکی - معماری محیط" تأکید میشود. برای توصیف رشته‌های تخصصی مشابه، اصطلاح‌های "روانشناسی اکولوژیک" یا علوم آکو-رفتاری" به کار می‌روند. از دیدگاه اخیر به رابطه متقابل بین "رفتار فردی" که موضوع بررسی علم روانشناسی است و "شرایط زیست محیطی" به عنوان نظامی فراگیر توجه می‌شود، که شرایط فیزیکی معماری محیط را نیز در بر می‌گیرد.

بررسی رابطه متقابل شرایط زیست محیطی یا داده‌های فیزیکی - معماری محیط و رفتار، به این معنی نیست که از این منظر عوامل مؤثر دیگر، مانند ارزش‌های فرهنگی، شرایط اجتماعی و اقتصادی و نیز متغیرهای روانشناختی فردی نادیده گرفته شوند. از این رو، روانشناسی محیط، محیط طبیعی، محیط اجتماعی و محیط فرهنگی را شامل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: روانشناسی محیط، روانشناسی اکولوژیک، علوم آکو - رفتاری، معماری محیط، محیط طبیعی.

## ناریخچه روانشناسی محیط یا اکولوژیک

در اکثر کتب انگلیسی زبان، اکنون برونسویک<sup>۱</sup> (۱۹۵۶) و کورت لوین<sup>۲</sup> (۱۹۶۳) پایه‌گذاران رشته‌های روانشناسی محیط<sup>۳</sup> و اکولوژیک<sup>۴</sup> نامیده می‌شوند. در این رابطه اشاره می‌شود که برونسویک برای اولین بار اصطلاح "روانشناسی محیط" را در سال ۱۹۴۳ به کار برده‌است و نظر وی بر این است که در پژوهش‌های رشته روانشناسی لازم است شرایط بروز رفتار معرف محرکه‌ای جهان واقعی باشد (نقل از Gifford, 1997). لوین، مؤسس نظریه "میدان‌ها"<sup>۵</sup> در سال ۱۹۳۰ به آمریکا مهاجرت کرد. وی به دلیل این که در چهارچوب نظریه خود محل و موقعیت مشخصی برای داده‌های محیطی در نظر گرفته است، پایه‌گذار روانشناسی اکولوژیک<sup>۶</sup> نامیده می‌شود. در نظریه میدان‌ها رفتار تابع تأثیر متقابل عواملی توصیف می‌شود که از یک سو از محیط و از سوی دیگر از درون فرد سرچشمه می‌گیرند (فضای زیستی). در این نظریه "محیط" به معنی داده‌های محیطی "آدراک شده" به کار می‌رود و نه به معنی محیطی که به طور عینی وجود دارد. لوین اوایل عقیده داشت "پوسته خارجی"<sup>۷</sup> فضای زیستی نمی‌تواند موضوع تحقیق رشته روانشناسی باشد، اما با گذشت زمان تغییر عقیده داد و به این نتیجه رسید که روانشناسان می‌توانند شرایط پوسته خارجی فضای زیستی را زیر عنوان روانشناسی اکولوژیک بررسی کنند. در تاریخ روانشناسی آلمانی زبان به محققینی مانند هلیاخ<sup>۸</sup> (۱۹۰۲) برخورد می‌کنیم که یک قرن پیش به تأثیر عوامل محیطی بر رفتار توجه کرده‌اند. هلیاخ گسترش بی‌رویه مکتب "وونت" و پژوهش‌های آزمایشگاهی را مورد انتقاد قرار داده، داده‌های محیطی را بر سه نوع زیر تفکیک می‌کند:

- ۱) "محیط طبیعی"<sup>۹</sup> مانند آب، خاک، نور، هوا و نظیر آن، به وسیله انسان دگرگون می‌شود و به طور متقابل رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- ۲) "محیط اجتماعی"<sup>۱۰</sup> که موضوع بحث "روانشناسی اجتماعی" است و
- ۳) "محیط فرهنگی" شامل کتاب‌ها، کتابخانه‌ها، قوانین، دولت‌ها، بناها و شهرها می‌شود.

هلیاخ (۱۹۵۱) عقیده دارد که "محیط فرهنگی" به وسیله انسان ایجاد شده، تاریخ را منعکس می‌کند. محققین آلمانی

زبان او را پایه‌گذار رشته روانشناسی اکولوژیک می‌نامند. یادآور می‌شود، از این نوع فراموشی‌ها در علوم انسانی و روانشناختی بسیار است. به طور مثال در اکثر کتاب‌های روانشناسی عمومی که به وسیله دانشمندان غربی به رشته تحریر درآمده‌اند، افلاطون و ارسطو آغازگران تفکر روانشناختی نامیده می‌شوند، در حالی که برای ما فارسی‌زبانان "پندار نیک - گفتار نیک و کردار نیک" بر قدمت خیلی بیشتر این دانش اشاره دارد.

## موضوع روانشناسی محیط و اکولوژیک

گرامان<sup>۱۱</sup> (۱۹۷۶) برای تعریف و تحدید "روانشناسی محیط" از عناوین دیگر، به بررسی تاریخ رشته روانشناسی پرداخته، این رشته تخصصی را مکمل "روانشناسی عمومی" فاقد محیط می‌نامد. به نظر وی به وسیله این رشته تخصصی، بعدی فراموش شده در علم روانشناسی مجدداً کشف و مورد توجه قرار گرفته است. به این معنی که در روانشناسی عمومی، معمولاً به "رفتار" بدون توجه به مکان و زمان بروز آن استناد می‌شود. در حالی که فرض معلق بودن انسان در فضا، بدون توجه به محدودیت‌هایی که فضا و زمان بر انسان و رفتار وی تحمیل می‌کنند، کامل و جامع نیست.

نظر به اینکه متخصصین روانشناسی محیط اکثراً بر همکاری و تبادل نظر با متخصصین رشته‌های علمی دیگر، مانند علوم زیست‌محیطی، جامعه‌شناسی، معماری و غیره تأکید می‌کنند، این رشته تخصصی "میان رشته ای"<sup>۱۲</sup> نیز توصیف می‌شود. در روانشناسی محیط و اکولوژیک، انسان به‌عنوان بعدی تفکیک‌ناپذیر از شرایط محیطی و در چهارچوب "قرارگاه رفتاری" یا "فیزیکی" مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد که محدود به زمان و مکان است. قرارگاه فیزیکی به معنی فضای فیزیکی با هدف‌های کاربردی و "سازمانی" تعریف شده به کار می‌رود؛ مانند بیمارستان که محل معاینه و مداوای بیمار است و یا آموزشگاه یا کلاس درس که محل تربیت یا آموزش و پرورش است و هر دو از اهداف سازمانی خاص برخوردار می‌باشند. قرارگاه‌ها را گاه بر اساس اهداف سازمانی تعریف می‌کنند. به‌طور مثال، یک کلاس درس "قرارگاه تربیتی" و یک بیمارستان "قرارگاه درمانی" نیز نامیده می‌شود.

بارکر (۱۹۶۴) یکی از شاگردان "کورت لوین" و از دانشمندان مؤثر در گسترش علم روانشناسی اکولوژیک به معنی امروزی آن محسوب می‌شود. وی به بررسی الگوهای رفتاری "فوق فردی"<sup>۱۳</sup> می‌پردازد. این مفهوم بیانگر رفتارهایی است که به طور "جمعی" و در "قرارگاه‌های رفتاری" ارائه می‌شوند؛ مانند درس خواندن دانش آموزان در یک کلاس درس یا بازی کردن کودکان در یک زمین بازی و یا ورزش در زمین فوتبال. درس خواندن، بازی و ورزش کردن "رفتارهای فوق فردی" نامیده می‌شوند.

یک کلاس درس را به عنوان نمونه‌ای از قرارگاه‌های فیزیکی در نظر می‌گیریم. ابعاد فیزیکی معماری یک کلاس درس عبارتند از: فضای آن، نیمکت‌ها و طرز چیده شدن آن‌ها در فضا، محل پنجره، در، میز معلم و نظیر آن‌ها. الگوهای رفتاری ویژه یک کلاس عبارتند از: درس خواندن، نقاشی کردن، گفتگو و نظیر آن‌ها. بارکر عقیده دارد بین ابعاد فیزیکی - معماری و رفتاری این گونه فضاها رابطه خاصی وجود دارد که با مفهوم "همساخت"<sup>۱۴</sup> بیان می‌شود.

در چهارچوب نظریه روانشناسی اکولوژیک بارکر به ابعاد اجتماعی و سازمانی قرارگاه‌ها نیز توجه می‌شود. زیرا این نظریه بیانگر این است که افرادی که در قرارگاه‌های فیزیکی قرار می‌گیرند، نقش‌های اجتماعی معینی را ایفا می‌کنند. یعنی قوانین اجتماعی سازمان یافته‌ای از پیش تعیین می‌کند، کدام نقش‌ها و در کدام فاصله‌های زمانی در قرارگاه معین مشاهده خواهد شد (مانند روش تدریس، تمرین و امتحان). به این معنی که هدف این رشته تخصصی در درجه نخست شناسایی و بررسی رفتارهای "فوق فردی" است. به طوری که با استفاده از مبانی این رشته نمی‌توان به سادگی رفتار یک دانش آموز خاص را پیشگویی کرد. در مقابل، اگر میزها و صندلی‌های دانش آموزان به ردیف و پشت سر هم چیده شده باشند (مانند سینما یا تئاتر) می‌توان پیشگویی کرد که رفتارهایی چون مشارکت در جریان تدریس و "بحث و گفتگو" در کلاس کم خواهد بود. به بیان دیگر، شاگردان نمی‌توانند در این گونه شرایط فیزیکی - معماری، در جریان تدریس فعال شوند. زیرا تبادل اطلاعات بین دانش آموزان و معلم به وسیله شرایط فیزیکی - معماری به

"دوجانبه بودن" محدود می‌شود. با توجه به شرایط معماری خاص این گونه کلاس‌ها تبادل اطلاعات همه‌جانبه که لازمه مشارکت و فعال شدن دانش آموزان است به حداقل می‌رسد. بارکر (۱۹۶۴) برای توصیف رابطه بین شرایط زیست‌محیطی و رفتارهای فوق فردی به مشاهدات قابل توجهی اشاره می‌کند. به طور مثال:

(الف) با تغییر قرارگاه فیزیکی، رفتار نیز تغییر می‌کند. مانند خارج شدن دانش آموزان از کلاس و ورود آنان به راهرو، اتاق مدیر و یا به یک مغازه.

(ب) اگر رفتار چند کودک را در یک نوع قرارگاه (کلاس درس) با همدیگر مقایسه کنیم، شباهت بیشتری مشاهده خواهیم کرد، تا اینکه رفتار یک کودک را در قرارگاه‌های متفاوت (مدرسه و خانه) مقایسه کنیم.

بارکر واحدهای رفتاری را از نظر اندازه طبقه‌بندی می‌کند و عقیده دارد هر "واحد رفتاری" را می‌توان به اجزای تشکیل دهنده آن تجزیه کرد؛ مانند رفتار دانش آموز در یک کلاس نقاشی که به کشیدن خطوط، آمیختن رنگ‌ها، تراشیدن مداد یا مدادها و غیره قابل تجزیه است.

پژوهشگران متخصص در روانشناسی اکولوژیک و محیط از پژوهش‌های آزمایشگاهی فاصله گرفته و به مشاهده رفتار در شرایط طبیعی آن (پژوهش میدانی) می‌پردازند.

جی‌فورد روانشناسی محیط را "بررسی متقابل فرد و قرارگاه فیزیکی وی" تعریف می‌کند (Gifford, 1997:10).

پژوهشی که در ایران و درباره "فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط" انجام شد (مرتضوی، ۱۳۷۶) نشان می‌دهد، بین عوامل زیر روابط متقابل قابل توجه وجود دارد:

(الف) شرایط فیزیکی - معماری محیط‌های آموزشی (تراکم دانش آموز در کلاس، میزان نور، میزان فضای سبز مدرسه، سرانه دستشویی‌ها، آب‌خوری‌ها و نظیر آن) و

(ب) شرایط روانشناختی فردی دانش آموزان (نگرش به فضاهای آموزشی، احساس ازدحام، احساس روان نژندی و نظیر آن)

(ج) داده‌های "جمعیت شناختی" دانش آموزان پاسخگو (مانند جنسیت، شرایط اقتصادی خانواده، تعداد دفعاتی که دانش آموز مردود شده است).



- Barker, R., and P. Gump (1964). *Big school, small school: High school size and student behavior*. Stanford: Stanford University Press.
- Barnes, R.D. (1981). Perceived freedom and control in the built environment. In J. Harvey (ed.), *Cognition, social behavior and environment*. Hillsdale: Erlbaum.
- Brunswik, E. (1956). *Perception and the representative design of psychological experiments*. Berkeley: University of California Press.
- Gifford, R. (1997). *Environmental psychology: Principles and practice*. London & Boston: Allyn & Bacon.
- Grauman, F. (1976). Die oekologische Fragestellung- 50 Jahre nach Hellpachs Psychologie der Umwelt. In G. Kaminski (ed.). *Umweltpsychologische Perspektiven, Probleme und Praxis*. Ernst: Klett Verlag.
- Hellpach, W. (1902). *Die Grenzwissenschaften der Psychologie*. Leipzig: Durr.
- Hellpach, W. (1951). *Sozialpsychologie*. Stuttgart: Enke.
- Lewin, K. (1963). *Feldtheorie in den Sozialwissenschaften*. Bern: Hans Hueber Verlag.
- Stokols, D. (1990). Instrumental and spiritual views of people-environment relations. *American Psychologist*, No: 45, 641-646.



طی دو دهه اخیر روانشناسی محیط پیشرفت چشمگیری کرده است و نظریه‌های متعددی درباره تأثیر متقابل انسان و محیط بیان شده است؛ مانند: نظریه "برانگیختگی" ۱۵، "نظریه‌های کنترل" ۱۶ (Barnes, 1981)، نظریه "تبادل" (Altman & Rogoff, 1987) و یا نظریه‌ای که استوکلز (۱۹۹۰) درباره لزوم بررسی دقیق تر روابط مادی و معنوی انسان با محیط بیان کرده است. در چهارچوب این رشته، با توجه به "مسائل و مخاطرات محیطی" مانند سیل و زلزله، ضرورت "بازیافت" به منظور صرفه‌جویی در مصرف مواد طبیعی و "عوامل مؤثر در مدیریت منابع" نظریه‌های کاربردی قابل توجه در زمینه‌های فوق بیان شده است (مرتضوی، ۱۳۸۰).

#### پی نوشت ها

1. Egon Brunswik
2. Kurt Lewin
3. Environmental Psychology
4. Ecology
5. Field theory
6. Ecological Psychology
7. Foreign hull
8. Hellpach
9. Die naturliche Umwelt
10. Die kulturelle Umwelt
11. Graumann
12. Interdisciplinary science
13. Barker
14. Extraindividual
15. Synomorph
16. Stimulation theory
17. Control theories

#### منابع

- مرتضوی، شهرناز (۱۳۷۶). *فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط*. تهران: انتشارات وزارت آموزش و پرورش (سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس).
- مرتضوی شهرناز (۱۳۸۰). *روانشناسی محیط و کاربرد آن*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

Altman, I., and Rogoff, B. (1990). World views in psychology and environmental psychology: Trait, interactional organismic and transactional perspectives. In D. Stokols and I. Altman (eds.), *Handbook of Environmental Psychology*. New York: John Wiley.